گفت‌وگو با سهند خیرآبادی، هنرمند مشهدی که اثر جدیدش در تهران با استقبال تماشاگران روبه‌رو شده است

تئاتر مشهد به آموزش صحیح نیاز دارد



شکیبا افخمی راد

گفت‌وگو

سهند خیرآبادی یکی از هنرمندان مطرح مشهدی است که آثار تأثیرگذاری را در شهرش تولید کرده است. او که بیشتر به دلیل فعالیت‌های نمایشنامه‌نویسی‌اش و نویسندگی آثاری چون «پیانیستولوژی»، «دراماتورژ»، «آی راک»، «مختلف الاضلاع» و «غسالخونه» شناخته می‌شود، این روزها نمایش «این دنیا یه کنسرت به من بدهکاره» به نویسندگی خودش را در سالن چهارسوی تئاترشهر تهران روی صحنه برده است؛ نمایشی که دومین تجربه کارگردانی خیرآبادی بعد از نمایش «مستخدم» محسوب می‌شود. به بهانه اجرای نمایش «این دنیا یه کنسرت به من بدهکاره» - با بازی امیرمهدی ژوله و الیکا عبدالرزاقی- که این روزها از آثار پرفروش تهران به شمار می‌آید، با سهند خیرآبادی گفت‌وگو کرده‌ایم.

شما بیشتر به عنوان نویسنده شناخته می‌شوید و مدتی است پا در عرصه کارگردانی هم گذاشته‌اید. آیا ترجیح می‌دهید نوشته‌هایتان را خودتان اجرا کنید؟

من همچنان برای دیگران می‌نویسم و بسیار هم از این کارلذت می‌برم. همین الان یکی از کارگردانان مطرح تئاتر کشور در حال تمرین یکی از نمایشنامه‌هایم است؛ اما روی صحنه بردن برخی متون کار کسی جز خودنویسنده نیست؛ یعنی ممکن است یک کارگردان دیگر، متن را خیلی خوش رنگ ولعاب ترکارگردانی کند، اما نمی‌تواند آنچه راکه مدنظرشماست، برساند. «مستخدم» و «این دنیا یه کنسرت به من بدهکاره» از این جنس آثار بودند.

آثار شما بیشتر فضای کمدی دارند و «این دنیا یه کنسرت به من بدهکاره» هم یک کمدی سیاه است. چرا همیشه این فضا در آثارتان دیده می‌شود؟

مگر تئاتر می‌تواند کمدی نداشته باشد؟! ما در تئاتر سه ژانر کمدی، تراژدی و ملودرام داریم که ما در ژانر تراژدی و ملودرام نمی‌توانیم کمدی نداشته باشیم. یعنی اگر تراژدی‌های شکسپیر را ورق بزنید، می‌بینید که مملو از کمدی است. من هم بی‌شک وقتی دارم در چهارچوب ژانر می‌نویسم، نمی‌توانم از کمدی خارج شوم.

در آثار شما همیشه ردپایی از ادبیات جهان وجود دارد، درحالی که آثار برادرتان، آرش خیرآبادی، بیشتر به ادبیات ایران تمایل دارد. منشأ این تفاوت نگاه از کجاست؟

تعبیر شما کاملا درست است. من تمایلی به ادبیات نمایشی غرب دارم و آرش شیفته ادبیات شرق است. هرکدام هم مسیر خودمان را می‌رویم. ادبیات نمایشی شرق یا ایران عمر درازی ندارد؛ بنابراین ما راهی نداریم که در نمایشنامه‌نویسی یا به سمت ادبیات کهن فارسی خودمان، یا به سراغ ادبیات غرب برویم. من به سمت ادبیات غرب رفتم و ژانرو دیالوگ را از آن‌ها یاد گرفتم، اما گروهی می‌توانند از ادبیات کهن خودمان استفاده کنند که برادرم این کار را انجام می‌دهد.

چطور در ترکیب بازیگری نمایشتان، به امیرمهدی ژوله و الیکا عبدالرزاقی رسیدید؟

من حدود دوازده صفحه مونولوگ نوشته بودم که به نظرخودم بسیارنزدیک به امیرمهدی ژوله بود؛ بنابراین از طریق یکی از دوستانم با او تماس گرفتم. او متن را که نصفه بود، خواند و بسیار دوست داشت و حضور در نمایش را پذیرفت. از آنجا به بعد، بقیه نگارش متن را براساس شخصیت و نوع بازی خود ژوله نوشتم. در ادامه نگارش متن متوجه شدیم چون شخصیت‌های جانبی زیادی دارد، می‌تواند یک بازیگر دیگر هم داشته باشد که همه این شخصیت‌ها را بازی کند. امیرمهدی ژوله، الیکا عبدالرزاقی را پیشنهاد داد که خودمن پیش‌تر سابقه همکاری با او را داشتم. به این ترتیب متن دوباره بازنویسی شد تا در نهایت به آنچه این روزها در حال اجراست، رسیدیم.

نمایش «این دنیا یه کنسرت به من بدهکاره» در تهران هم با استقبال خوبی روبه‌رو شده است. حضور دو بازیگر چهره در نمایشتان را چقدر در این اتفاق مؤثر می‌دانید؟

قطعا حضور بازیگران چهره در نمایش‌ها بسیار در جذب مخاطب تأثیرگذار است؛ چون قسمتی از لذت دنیای تئاتر و سینما برای مخاطب به دیدن بازیگر دلخواهش مربوط می‌شود.

اما باوجوداین، برخی هم منتقد حضور بازیگران چهره در تئاتر هستند.

شاید مطرح شدن این انتقاد از سوی برخی به خاطر همان ضرب المثل معروف «دستش به گوشت نمی‌رسد...» باشد. اگر نقش به شما اجازه دهد، باید از بازیگر خوب استفاده کنید. ژوله از زمانی که وارد بازیگری شده و بیست سال تجربه نویسندگی‌اش را روی صحنه آورده، همواره خوب بوده است و من نمی‌توانستم برای کارم بازیگری بهتر از ژوله پیدا کنم؛ یا برای نمایش من بازیگری که به اندازه الیکا عبدالرزاقی روی میمیک صورت و حرکات بدنش تسلط داشته باشد وجود نداشت. این بازیگران خوب، معروف و محبوب هم هستند.

امکان دارد تئاتر «این دنیا یه کنسرت به من بدهکاره» در مشهد اجرا شود؟

بله، امکان دارد. ما از شهرهای مختلف، از جمله مشهد، پیشنهاد اجرا داشتیم که بررسی این پیشنهادها توسط محمد قدس، تهیه‌کننده نمایش، انجام می‌شود. او به ما خواهد گفت کجا برویم و چه زمانی اجرا داشته باشیم.

باتوجه به فعالیتتان در مشهد و تهران، مهم‌ترین تفاوت تئاتر این دو شهر را چه می‌دانید؟

به نظرم تئاتر مشهد همچنان بوی تئاتر سنتی و آیینی را دارد و این بافت در میزانسن‌های کارگردانان پیدا می‌شود. همچنین من معتقدم که هنوز در مشهد از برخی کلمات اشتباه استفاده می‌شود؛ برای مثال در مشهد به هم سرایان، بازی ساز می‌گویند، درحالی‌که بازی ساز یک اصطلاح فوتبالی است. تهران به دلیل آموزش صحیح، این غلط‌ها را پشت سر گذاشته و وارد تئاتر مدرن شده است، اما این اتفاق به دلیل ضعف تئوریک، هنوز در مشهد رخ نداده است. مشهد از نظر تئوری تئاتر، شهر بدسوادی است و به این بدسوادی اعتقاد هم دارد، درحالی‌که بی‌سوادی از بدسوادی خیلی بدتراست، چون کسی که بی‌سواداست، می‌گوید من نمی‌دانم، ولی آنکه بدسواد است، به اطلاعات غلطش اعتقاد دارد.

در تهران این ضعف کمتراست، چون آنجا دانشگاه‌های مختلف رشته تئاتر را تدریس می‌کنند. این بزرگ‌ترین تفاوت مشهد و تهران است وگرنه از لحاظ استعداد و پشتکار این دو شهر با هم هیچ تفاوتی ندارند. مشهد نیاز به سیستم صحیح آموزشی دارد و مسئولان به جای مجوز دادن به آموزشگاه‌هایی که روزبه روز به تعدادشان افزوده می‌شود، باید تلاش کنند که رشته تئاتر در دانشگاه فردوسی مشهد تدریس شود.



مشهد اگر صد سالن تئاتر هم داشته باشد، بازبرایش کم است و مسئولان باید احساس کنند که مشهد به هنر نیاز دارد

باتوجه به مشکلاتی که در مشهد وجود دارد، آیا راه حل این است که هنرمندان برای پیشرفت به پایتخت مهاجرت کنند؟

به میزان میل هنرمند به پیشرفت بستگی دارد. من سن و سال کمی داشتم که نمایش «پیانیستولوژی» در مشهد روی صحنه رفت و با استقبال خوبی روبه رو شد و در جشنواره تئاتر فجر هم جوایز زیادی کسب کرد. بعد از آن ما به سراغ اجرای «آی راک» رفتیم که هیچ تفاوتی با «پیانیستولوژی» نداشت. دیگر باید چه کار می‌کردیم که رشد کنیم؟!

متأسفانه سقف پیشرفت در تئاتر شهرستان کوتاه است و رسیدن به این سقف من را راضی نمی‌کرد، چون میل من به پیشرفت بسیار زیاد بود؛ بنابراین از آنجایی که سال ۱۳۹۰ در دانشگاه سینما و تئاتر تهران درس خوانده بودم و با فضای تئاتر در این شهر آشنا بودم، تصمیم گرفتم به تهران بروم تا این میل به پیشرفت را بیشتر حس کنم.

به نظرتان سقف پیشرفت در شهرستان‌ها نمی‌تواند مرتفع‌تر شود؟

باید مرکززدایی شود و اجازه دهند بهترین تولیدات هنری در شهرهایی به غیراز تهران هم اتفاق بیفتد. محقق شدن این موضوع نیزبه یک نگاه سیستماتیک و کلی نیازدارد و موضوعی است که خودوزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و دولت باید آن را پیگیری کنند. علاوه بر این، سالن تئاتر هم باید در مشهد ایجاد شود. این شهر اگر صد سالن تئاتر هم داشته باشد، باز برایش کم است.

البته باید میلی برای انجام این کار وجود داشته باشد و مسئولان احساس کنند که مشهد به هنر نیاز دارد. در دوره‌ای که من در مشهد کار می‌کردم، تئاتر حدود بیست تا سی بیلبورد در شهر داشت. این اتفاق را هنرمندآن دوره ساخته بود و وضعیت اعجاب انگیزی در تئاترشهرشکل گرفته بود. برای مثال مسئولان وقتی اجرای «پیانیستولوژی» را دیدند، مجبور شدند به ما فضا دهند، اما آن میل دیگر ادامه پیدا نکرد؛ البته منطقی هم بود. اول ماجرای کرونا پیش آمد و بعد از آن هم داستان‌های شهریور۱۴۰۱. پس باید ببینیم هنرمندان مشهد در ادامه چه می‌کنند و آیا می‌توانند تئاتر را به شکوه آن دوران برگردانند.

هنرمندانی مانند شما که به تهران مهاجرت کرده‌اند، می‌توانند در این مسیر کمکی بکنند؟

خیر، آموزش و معرفی کار ما نیست و وظیفه دانشگاه است. من در دوره‌ای گفتم این شهر به اندازه کافی بازیگر تولید کرده است و نیاز به نویسنده دارد؛ بنابراین تلاش کردم و رشته ادبیات نمایشی را به دانشگاه فردوس آوردم که الان تأثیرش را در برخی از جوانان می‌بینید؛ یعنی کارم را درست انجام دادم، ولی از یک جا به بعد مجبور شدم این اتفاق را رها کنم، چون یک دنیای شخصی داشتم و می‌خواستم آن را هم پیگیری کنم. باوجوداین من آینده نمایشنامه‌نویسی را با فعالیت دو دانشگاه فردوس و اقبال لاهوری، روشن می‌بینم؛ البته به شرط آنکه مسیر شکل گرفته به درستی ادامه پیدا کند؛ یعنی اساتید خوب و باسواد در این دانشگاه‌ها تدریس کنند.

چراغ خطر

نگاهی به سریال «سایه‌باز»، اثر علی یاور



محمد عنبرسوز

نقد

مجموعه «سایه باز» به‌کارگردانی علی یاور، یکی ازعجیب‌ترین سریال‌های خانگی این روزهاست که تاکنون شش قسمت از آن، توسط پلتفرم نوپای «آپرا» منتشرشده است. «سایه باز» از منظر هنری و حتی محتوایی، تقریبا خالی از هر نکته درخورتوجهی است، اما بررسی آن می‌تواند به مثابه هشداری جدی برای شبکه نمایش خانگی، کاربردی باشد. علی یاور که علاقه‌مندان آثار نمایشی او را به دلیل بازیگری در سریال «روزهای زیبا» به‌کارگردانی جوادافشاروتهیه‌کنندگی فیلم «مشمشه» به‌کارگردانی شاهد احمدلو می‌شناسند، در نخستین تجربه کارگردانی خود به سراغ ساخت یک سریال نمایش خانگی رفته است. «سایه باز» اثری سردرگم است که تلاش می‌کند ضمن حفظ مؤلفه‌های ملودرام و نوجوان پسند، قصه‌ای معمایی و مافیایی را نیز روایت کند. داستان این مجموعه، حول محور مردی به نام برزوشمس می‌گردد که تاجری بی‌اخلاق، با گذشته‌ای پرابهام و تاریک است. بقیه شخصیت‌ها، دوستان یا اقوام این شخصیت هستند، اما با گذشت شش قسمت از سریال، هنوز روابط و نسبت‌های افراد برای مخاطب روشن نشده است. درواقع فیلم‌نامه «سایه باز» در بیان روایت به قدری از لکنت رنج می‌برد که بیننده به سختی می‌تواند ارتباط بین شخصیت‌ها را درک کند. به جز ضعف مفرط متن، انتخاب‌های عجیب بازیگران نیز دیگر عاملی است که به ساختار کلی این مجموعه لطمه وارد کرده است. از سریالی به طوری که با ابتدایی‌ترین پرداخت‌های بصری -از فیلم برداری و نور گرفته تا تیتراژ و گریم- روبه رو هستیم. این موضوع، بی‌تردید ناشی از صرفه جویی سازندگان سریال در هزینه هاست که حاصل کار را غیرقابل دیدن کرده است. حتی در سکانس‌های خارج از ایران که در کشور ترکیه فیلم برداری شده‌اند نیز نشانه‌های شتاب زدگی و سرهم بندی کردن پلان‌ها مشهوداست. کارگردان «سایه باز» به قدری تولید این محصول را سرسری گرفته است که حتی به خودش زحمت استفاده کارت پستالی از جغرافیای بصری کشور ترکیه را هم نمی‌دهد و به ضبط نماهای آسان و کم دردسر بسنده می‌کند.

اما بزرگ‌ترین سهل انگاری این اثر شیوه بازی گرفتن از هنرپیشه هاست. در این سریال، بازیگران کاربلد و متوسطی حضور دارند که در کارنامه برخی از ایشان اجراهایی چشم‌گیر و جذاب هم وجود دارد. همایون ارشادی و مهدی هاشمی، اگرچه اکنون در دوران اوج خود به سر نمی‌برند، کاملا واجد ظرفیت اجرای آبرومند یک نقش هستند، در حالی که در «سایه باز» بازی های ضعیفی از خود به نمایش گذاشته‌اند. محمد نادری که این روزها با سریال خوش ساخت «مگه تموم عمر چند تا بهاره؟» مورد توجه مخاطبان قرار گرفته است، در یک نقش گنگ، بازی بسیار بدی ارائه می‌کند و سام قریبیان نیز -بدون کوچک‌ترین نشانی از ظرافت و ابهت پدرش- بازی بدی را در این سریال ارائه می‌دهد. در بین بازیگران شناخته شده این سریال، فقط نیما شعبان نژاد اجرای آبرومندی دارد که به نظر می‌رسد این مسئله بیشتر ناشی از هوش این هنرپیشه وراحت بودنش جلوی دوربین است. بازیگران فرعی «سایه باز» اما ضمن اینکه فاجعه می‌آفرینند، به شک و شبهه ها درباره چنین محصولاتی دامن می‌زنند. از چهره هایی سنگی با بازی هایی آن قدر مصنوعی حرف می‌زنیم که سخت بتوان اصلانام بازیگری برفعالیتشان نهاد. درمجموع می‌توان گفت که «سایه باز» فاقد هرگونه ارزش هنری است، اما در ساختار کلی شبکه نمایش خانگی درخورتأمل به نظر می‌رسد. این رسانه خصوصی که چند سالی است حسابی جای خود را بین مردم باز کرده است، اگربخواهد با این قبیل محصولات ضعیف و سست، به کار خود ادامه دهد، حمایت عمومی را از دست خواهد داد. تغییر رویکرد شبکه نمایش خانگی به سمت کمیت گرایی، آسیبی جدی است که سریال هایی همچون «سایه باز» و «دادزن» زنگ خطر آن را به صدا درآورده‌اند. از مدیوم پررونقی حرف می‌زنیم که با تلاش صدها هنرمند و در زمانی بیش از دو دهه، توانسته است نظر مردم را به خود جلب کند. این اعتماد اما با زیاد شدن سریال هایی از این دست، به سادگی و در زمانی بسیار کوتاه می‌تواند به باد برود. اگر سازندگان سریال های خانگی، به جای نزدیک شدن به استانداردهای سینمایی و سریال های بین المللی، به سوی محصولات زرد و کم خرجی که در زودترین زمان ممکن به پخش می‌رسند، حرکت کنند، بی شک مردم از آن ها روی گردان خواهند شد.

اخبار هنری مشهد

۳ سینمای مشهد، در جمع پرفروش‌های کشور



سینماهای پرفروش کشور در یک ماه گذشته، یعنی آبان ۱۴۰۲، مشخص شدند که در این میان سینماهای تهران، شیراز و مشهد بیشترین فروش را داشتند. به گزارش مهر، آمار فروش و تعداد مخاطبان چهل سینمای برتر کشور اعلام شد.

این سینماها حدود ۶۰ درصد از فروش کل سینماهای کشور را شامل می‌شوند و ۳۸ هزار و ۹۶۷ صندلی از ۱۱۷ هزار و ۵۷۷ صندلی سینما، در این سالن‌ها متمرکز شده است. پردیس سینمایی «هویزه» مشهد با فروش بیش از ۳ میلیارد و ۶۰۰ میلیون تومان در رتبه چهارم، پردیس سینمایی «اطلس» مشهد با فروش بیش از ۲ میلیارد و ۹۰۰ میلیون تومان در رتبه ششم و پردیس سینمایی «ویلاژتوریست» مشهد با فروش بیش از ۲ میلیارد و ۵۰۰ میلیون تومان در رتبه دهم جدول سینماهای پرفروش کشور در آبان ماه قرار دارند. لازم به ذکر است مجموع فروش این چهل سینما بیش از ۸۹ میلیارد تومان است.

چارسوق هنر

تصویربرداری «سلمان فارسی» ادامه دارد



تصویربرداری سریال «سلمان فارسی» این روزها در شهرک غزالی ادامه دارد و عوامل در حال ساخت فصل ایران این سریال هستند. تصویربرداری این فصل از نیمه مرداد شروع شده است و این روزها بازیگرانی چون فرهاد اصلانی، محمدرضا هدایتی، بهناز توکلی و مجموعه‌ای از هنروران جلوی دوربین هستند. کاروان سرای «مرمر» یکی از لوکیشن‌های ایران باستان است که بخشی از تصویربرداری سریال آنجا انجام می‌شود. فصل ایران باستان یکی از مهم‌ترین فصل‌های سریال «سلمان فارسی» است و برای اولین بار این دوره از تاریخ به تصویر کشیده می‌شود. لوکیشن‌های این فصل با مواد ماندگاری ساخته می‌شود تا بعدها در سریال‌های دیگری هم بتوان از این لوکیشن‌ها بهره گرفت. سریال «سلمان فارسی» به نویسندگی و کارگردانی داوود میرباقری به زندگی و زمانه یار ایرانی پیامبر اکرم (ص) در سه فصل ایران ساسانی، بیزانس و حجاز صدر اسلام می‌پردازد. فیلم برداری این سریال از اواخر آذر ۱۳۹۸ آغاز شده است.

«رستگاری» رمضان آینده می‌آید



مجموعه تلویزیونی «رستگاری» به کارگردانی مسعود ده نمکی، در مرکز سیمافیلم و در سی قسمت تهیه شده است و در ماه رمضان روی آنتن تلویزیون می‌رود. به گزارش مهر، مرکز سیمافیلم که تولید آثار پرمخاطب تلویزیون را در کارنامه دارد، این بار «رستگاری» را درگونه ماورایی تولید می‌کند. چندی پیش تصویربرداری این سریال به پایان رسید و گروه سازنده مشغول انجام کارهای فنی پروژه هستند. در این سریال بیش از بیست بازیگر سینما و تلویزیون ایفای نقش می‌کنند و برای ساخت این سریال از تکنیک های جدید بهره برده شده است.

بیتا فرهی درگذشت



بیتا فرهی که طی چند هفته گذشته به دلیل عارضه ریه و قلبی در بیمارستان دی بستری بود، ظهر روز گذشته، ۴ آذر ماه، در سن ۶۵ سالگی از دنیا رفت. «هامون»، «برادرم خسرو»، «دوران عاشقی»، «در انتظار معجزه»، «خاک آشنا»، «خون بازی»، «خانه ای روی آب»، «اعتراض»، «کیمیا»، «بانو»، «لامینور» و... از جمله فیلم های سینمایی است که بیتا فرهی در آن ها به ایفای نقش پرداخته است. هم اکنون سریال «سرزمین کهن» با بازی بیتا فرهی در حال پخش است.

«خجالت نکش ۲» در راه جشنواره فیلم فجر



تصویربرداری «خجالت نکش ۲» که شاید در فهرست آثار جشنواره فیلم فجر قرار گیرد در حال انجام است. به گزارش تسنیم، چندی پیش نام «خجالت نکش» در فهرست آثاری که از ساترا مجوز ساخت گرفتند، اعلام شد. این روزها خبرهایی هم به گوش رسید، مبنی بر ساخت نسخه سریالی این فیلم خاطره انگیز، اما الان پیگیری ها نشان می دهد قسمت دوم فیلم سینمایی «خجالت نکش» در حال ساخت است و احتمالا پس از اکران، نسخه سریالی هم ساخته شود.